

بزرگترین پناهگاه افکار مضطرب!

فلسفه پیشین وجه امتیاز آدمیزاد را از دیگر جانوران « اندیشه » و گفتار دانسته اند و برآستی اگر آدمیزاد نیروی تفکر و بیان نداشت تشریف و لقد کرمانا بنی آدم چندان بر قلمش زیبا بود ، و خود و خواب و خشم و شهوت نمیتوانست ملاک انسانیت باشد .

در خشانترین فستق و سرشارترین موددی که تجلیات نبوغ و لطافت فکر آدمی در آن خودنمایی میکند ، کوششی است که بشر در شناسایی مبدع و مقصد سیر زندگی خود بعمل میآورد اما حاج درخشان و بیت الغزل این منظومه دلکش قسمتی است که به شناسایی « توصیف پدید آوردندش این کارگاه و گرداننده این گردنده گردون اختتامش دارد ، و سخن از ذات مقدسی میرود که کار جهان و جهانیان بدست قدرت او است و هر چه هست فرمان او پایباد و در گذراست .

نخستین تلاش

بظن غالب اولین تلاش فکر بشری با تفکر در وجود و وصف ذات و صفات آفریدگار آغاز شده ، و این منبع فیاش و قلم زخار ناروژی که مغز متفکری در زمین یاد دیگر شهرهای کشور خدا وجود داشته باشد مایه اشتغال فکر و انجذاب روح او خواهد بود ، و در این میراست که آدمی بشام اکتشافات و اختراعات نائل گشته ؛ و قوا این بی شماری از این کارخانه عجزت آور کشف و درک کرده است ، و چه عنت بزرگی خداوند بر بشر نهاده که او را بمعرفت آثار وجود خود امیدوار ساخته ، اما هرگز پرده از رخسار بر نداشته و گرنه این داستان از انگیزه پایان میرسد و زندگی ما بشخو از نبوغ آوری از مکدرات میماند . آری آثار قدرت و عظمت و خلاقیت او را یکی بعد از دیگری خواهیم شناخت اما هرگز این آثار و آیات پایان نخواهد رسید ؛ و در حیطه فکر محدود بشر نخواهد آمد ، و این نود ابد میلیونها سال دیگر هم بر روانگان متفکر را بسوی خود جذب خواهد کرد و در آتش خود شعله ور خواهد ساخت . قل لو كان البحر مدادا لکللمات ربی لنفد البحر قبل ان ننفد کلمات ربی (آیه ۱۰۹ سوره کهف) بنی اگر برای احصا و نگارش آیات قدرت خدا ، دریا بر کب شود ؛ پیش از آنکه آیات قدرت الهی بی پایان رسد ؛ دریا بی پایان خواهد رسید (زیرا آنرا وضع خدایی نهایت است)

سخواهی دل

گو یانه بهترین آثار تمدن که قرن بیستم بان دسترسی پیدا کرده تمدن درخشانی است که در هند باستان پدید آمده و بس از سیر صمودی خود حلق سنت غیر قابل اجتناب طبیعی باقول گردیده ، از آثار فکری آن دوران نوشته های بدست آمده که در آنها پیرامون ذات مقدس پروردگار بحث شده و از شناسائی گنه ذات او اظهار باس گردیده است و این همان نتیجه ای است که ماهم پس از یکصد و بیست و سه قرن از آن تاریخ بان میرسیم و بانگ بر میاوریم که :

میجو بادیده اورا مشکل است این عبت گوشش ممکن کار دل است این حکما و فلاسفه قدیم هم که معاشکره محدود خود تمام جهان و از هر چه میگردند و حقیقت را بطول مطلق مورد بحث قرار داده و در صد دانشائیی کلی حقایق بودند با اینکه ستارگان درخشانی از نیو تونکر بشری در بین آنها طلوع کرده که پس از گذشت بیست و پنج قرن باهم بریشانی علم و فلسفه میدرخشند ؛ گریه از این کلاف سرد گرم ناز نکرده و بالاخره « کس ندانست که منزلیکه مقصود کجاست » و ریس فلاسفه سقراط بزرگ نیز تنها به « خود را شناس تا خدای خود را شناسی » اکتفا کرد .

از روزگاری که بطلمیوس تمام جهان را مانند یاری تصور میکرد و گنوله خاکمی ناچیز مازان عالم امکان میدانست و از زمانی که تمام کرسی فلک را ستوری چرخ دست بر بر پای قریل از سلان میکشید ؛ تا امروز که فرستادگان بشر روزهای عتوالی با سرعنی سرسام آور فشاراشکات و سوری یکی از قد بلای طاق کبریا بی پیش میروند طین خدا خدادار زیر این طاق پیچیده و هر کس بر پای سخن از وصفش گفته « ببلبل بفرانخوانی و قری شرانه » او را خواست است با آثار تمدن های ازین رفته قریها پیش دسترسی دقیق نداریم و آنچه در باره طرز تفکر بشر ما قبل تاریخ نسبت به خدا بگوئیم متکی بر سخن خواهد بود اما باینده است که آنان نیز خود اندر شامخ و ولوا و عاری از نفس و مسلط بر عالم هستی و قادر علی الاطلاق تصور میکردند .

اصرار برای کشف حقیقت مطلق اندک زمانی فکر بشر را از ترفی بازداشت و این مثل سائر دایاد کار گذاشت که « سنگ بزرگ علامت نزن است » اما ترقی تمدن از روزی شروع شد که آدمیزاد بکشف حقایق جری حمت گماشت و شناخت تک تک امور عالم و آشنائی با مکانیسم آفرینش پرداخته میگردد و مشغول شد با یکدیگر بدون توجه دستگاههای متعدد و پیچ و مهرهای فراوان و خواص و وظائف هر یک از آنها شناخت ؛ مگر جهان باین عظمت پیچیده ترین ماشین نیست ؟

بشر از تحت ادعای این آآمد جستجوی مستقیم خدا را دعا کرد و بکاوش در خود و اطراف انیان خود ارزنده جان و غیره پرداخت و در همه جا خدا را بدو رواندک مدتی بزبان آمد که « خداوند را روزگاری ترا میچشم و خود را میبافتم اکنون خود را میجویم و تو را میبافم » .

این گنه و کاوش جستجوها آدمیزاد را قدام بقدم با آثار قدرت و عظمت خداوند و نظم تغلف تا پذیر آفرینش و مکانیسم دقیق طبیعت آشنا کرد ، او را شناخت فواین طبیعت و طرز کنش آمدن با تسلط بر آنها و سودجویی از آنها رهنمون شد ؛ و بندگان خدا را بند بر او و قضا مسلط ساخت و در رشته های مختلف علوم و فنون باعث پیشرفت های حیرت آور گردید . بشر در رشته ای از علوم و فنون و صنایع که پیش رفت با آثار قدرت الهی بیشتر آشنا شد و خدا را بزرگتر و با عظمت تر دید و شناخت مگر نه اینست که از پشت دور بین گوه « بالومار » با رصدخانه « جدول بنگ » قضای بی پایان را بهتر میتوان تماشا کرد ؛ و عظمت آفرینش و مآل عظمت آفریننده را بیشتر درک کرد و بهتر فهمید .

شما وقتی میشنوید که اقسام مصنوعی ملیونها کیلو متر در فضا راه میپسایند تا بخورشید میرسند و میخواهند که خورشید یکی از نزدیکترین ستارگان بر زمین مالست که نورش با سرعت تاییهای سیصد هزار کیلومتر در هشت دقیقه به ما میرسد ، العظمة الله میگویند ؛ و منفر خود را از درک این وسعت عاجز میشوید . دانشمندی که فکر را بغضا رها میسازد و با چشم مسطح مسیر آن را در تقییب میکند ما نامش را بر باد بر میآورد که الله الذی رفع السماوات بغیر حساب آفرینها .

بسی خدا آن کسی است که آسمانها و زمین را چنانکه می بینید بی ستون بر پا داشت (آیه ۲ - سوره وعد) .

آیت بزرگ آفرینش

اگر آفرینش جهانی باین وسعت و عظمت و تنظیم و تدبیر امور آن با چنان نظم و قدرت آثار قدرت الهی است آفرینش بشر بالاتر از همه این عوالم و آثار است و در مورد آفرینش این موجود عجیب و توجیه با مکانات مکرری و عقلی در وحی این موجود دو بااست که گفته اند فقبارک الله احسن المخلوقین را عنوان میکند و این سرود آسمانی را زمین و آری مطالعه کتاب روح بشر و آشنائی با قوای شکرگری که خداوند در وجود او پرورده است شاید از آشنائی با تمام جهان متشککتر و پیچیده تر باشد ، راجع به نتیجه و منفر آدمیزاد گفته اند که اگر قرار شود برای اندیشه و تحیل و کارهای مغزی بکند نگاه میکشایی بسازند آن دستگاه بزرگی کرة زمین خواهد بود تا قادر با انجام عملیات روزمره مغز آدمی باشد .

بدیهی است اغلب مردم بزرگ این عوالم و آشنائی با اکثر این آثار موفق نیستند نه وسیله دارند نه امکان و آنان که این مراحل را طی کرده و از راه شناخت جهان شناسائی جهانیان نزدیک شده اند بوی گلشن چنان حسرت کرده که دامنشان از دست برفته و اگر هم لب بپسین بکشایند گوش جان اغلب مردم ، با سخن دل آنها لغت و آشنائی ندارد ، ایسان در شناسائی معبود و توجه بخلق عالم پخته و ناب شده اند . (انتهای)

گاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی